

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۸ بهمن ۱۳۹۴

آیه مورد بحث

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا

عَابِدِينَ (انبیاء - ۷۳)

حقیقت اخلاص و مراتب آن

تعبیر دیگر مفهوم اخلاص در دین و شریعت، قصد قربت است. در عبادات، چنین انگیزه‌ای برای صحیح واقع شدن عبادت لازم است. یعنی تنها خواسته و هدف انسان از انجام عبادت، رضای خدای متعال باشد. رضای حق تعالی در مواردی با اطاعت از اوامر او به دست می‌آید، یعنی انسان واجبات را انجام می‌دهد و در مواردی با ترک محرمات حاصل می‌شود. عامل و انگیزه‌ای که انسان عبادت کننده را وادار به انجام می‌کند، بر حسب تقسیم‌بندی که از حضرت صادق صلوات الله علیه نقل شده است، یا ترس از عذاب خدای متعال است، یا طمع به دست‌یابی به بهشت و نعمت‌های بهشتی است و یا دوست داشتن خدای متعال است. در نوع سوم، حب به حق تعالی موجب می‌شود که انسان انگیزه پیدا کند و با اطاعت از دستورات الهی، او را از خود راضی کند.

متأسفانه برای قسم سوم عبادت کننده‌ها، مصداقی جز امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در آن زمان وجود نداشت. آن حضرت به خدای متعال عرض کرد: "بل وجدتك اهلا للعبادة فعبدتك"، تو را سزاوار پرستش یافتم و به این جهت تو را پرستش کردم. راه معقول، عقلایی و علمی برای این‌که انسان با وجدان خود اهلیت حق تعالی برای پرستش را درک کند، اطلاع از صفات او است. اخلاص به معرفت و شناخت حق تعالی مربوط می‌شود. شناخت هم مراتبی دارد. اصل و ریشه‌ی اولیه‌ی شناخت حق تعالی، فطرت توحیدی است، اما مراحل بعد از آن، حتما معرف لازم دارد.

در بین فرزندان حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام، عقل ما می‌گوید که افرادی که در پیشگاه حق تعالی معصوم هستند و خلاف واقعی مرتکب نمی‌شوند و عمدا هم خلاف نمی‌کنند و علم ایشان هم قابل مقایسه با علم ما نیست، در شناخت خدای متعال پیشتاز هستند و ما باید تعریف حق تعالی را از آن‌ها به دست بیاوریم. علم این بزرگواران، علم حضوری است. بهترین راه ممکن برای شناخت حق تعالی و این بزرگان، سؤال از ایشان است که خدای متعال و خالق ما و خودتان را به ما معرفی کنید. راه دیگری غیر از این وجود ندارد، زیرا ما علم به غیب نداریم و حالت مکاشفه هم برای هر انسانی ابتدائاً به وجود نمی‌آید که کشف واقع شود. پس بایستی علم تحصیلی باشد و کانال این علم تحصیلی هم باید بهترین کانال باشد که انسان علم و دانش را از آن کانال دریافت کند.

ادعیه، بهترین وسیله برای شناخت حق تعالی

از وجودات مقدسه‌ی معصومین سلام الله علیهم اجمعین دو نوع اثر در اختیار همگان هست که در مفاتیح الجنان وجود دارد. یکی زیارات ائمه‌ی طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین و دیگر دعاهایی است که از آن حضرات به دست ما رسیده است. علم و اطلاعی که از زیارات به دست می‌آید امام شناسی است. اما خدانشناسی به وسیله‌ی دعاها و مناجات‌های افراد معصوم عالم و آگاه از جهان غیب به دست می‌آید. شدت علاقه‌ی خدای متعال به مخلوق خود موجب شده است که وسائل شناخت خودش را در اختیار مخلوق قرار دهد. راه فراگیری علوم مادی طبیعی، مانند پزشکی، فیزیک و شیمی، شرکت در آزمون سراسری و ورود به دانشگاه برای تحصیل علوم مربوط به آن رشته است. اما راه تحصیل علمی که

معلومش خدای متعال است راه دیگری است. ما از این‌که فرمان را در ذات مقدس حق تعالی به کار ببریم نهی شده‌ایم چون به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. اما نسبت به تفکر در صفات و افعال خدای متعال نهی نشده‌ایم زیرا آشنا شدن با اوصاف حق تعالی جل شأنه امر محالی نیست و ممکن است.

اگر این وسائل، به نام دعاهای شریفه، در کتاب مفاتیح الجنان محدث قمی رضوان الله تعالی علیه به دست ما نمی‌رسید، کار برای ما مشکل می‌شد و مجبور بودیم به شهرها و کشورهای سفر کنیم که خداشناسان بیشتری در آن‌جا زندگی می‌کردند و تعداد بیشتری از دانشمندان رشته‌ی خداشناسی در آن حضور داشتند. بدین ترتیب با صرف وقت و هزینه‌ی زیاد، به مقداری از این علم دسترسی پیدا کنیم. اما خدای متعال این دانشگاه را به نام مفاتیح الجنان در منزل ما آورده و راه را نزدیک و کم‌خرج کرده است. این دانشگاه، پرت و ضایعات و گمراه‌کنندگی ندارد و هدف آن یک هدف درجه‌ی یک، یعنی خداشناسی و آگاهی از صفات حق تعالی است.

مخاطب دعاها خدای متعال است. امام چهارم صلوات‌الله‌علیه با حق تعالی مناجات می‌کند و آن چه در مورد حق تعالی بیان می‌کند، در ارتباط با صفات و کارهای او است. ما اعتقاد داریم که بیان‌کننده انسانی معصوم است، بنابراین بیانات آن حضرت، نه کمتر و نه بیشتر از واقعیت است. در این امر، حد معقولی که برای یک موجود ممکن، مثل ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین متصور است، این است که تمام نعمت‌های خدای خود را فهمیده و با خدای خود ارتباط برقرار کرده‌اند و وجود خود را صرف این کرده‌اند که خدای خود را معرفی کنند.

این دعا در ظاهر، مناجات با حق تعالی است که ابی‌حمزه‌ی ثمالی رضوان الله تعالی علیه آن را از معصوم صلوات‌الله‌علیهم فراگرفته و آموزش می‌دهد. اما باطن کار، یک دانشگاه و یک دوره خداشناسی است که خدای متعال وسایل آن را فراهم کرده و بندگان صالح خود، امثال آقاشیخ عباس قمی رضوان الله تعالی علیه را وسیله‌ی نشر آن قرار داده است. این کتاب با هزینه‌ی کم در خانه‌ها وارد می‌شود و هر انسانی که بخواهد، با خواندن این دعاها و ترجمه‌ی آن و فکر کردن روی ترجمه، می‌فهمد که چگونه می‌توان خدای ناشناخته و اوصاف و افعالش را تدریجاً شناخت.

ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بهترین معرف حق تعالی

ما برای شناسایی یک انسان ناشناس، از اطرافیان او تحقیق می‌کنیم. اگر با این پرس‌وجو متوجه شدیم که او انسانی متدین، خوش اخلاق، بردبار، صبور و باگذشت و با محبت است، به او علاقه پیدا می‌کنیم. علاقمندی بی‌جهت حاصل نمی‌شود، یا به دلیل آگاهی از پولدار بودن فرد است، یا به دلیل آگاهی از تقوا و گذشت و سایر اوصاف حمیده و ارزش‌هایی است که معرف در مورد او بیان می‌کند. شنیدن این فضایل، درصد و ضریب محبت ما را نسبت به آن فرد بالا می‌برد. این نکته، عقلی است. حال برای این‌که خدای خود را بشناسیم و عبادات ما همراه با شناخت باشد با جستجو بهترین معرف را پیدا می‌کنیم.

بهترین معرف حق تعالی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین هستند و بهترین حالی که ایشان در مقام بیان هستند و هیچ کاستی ندارد، حال مناجات با خدای خودشان است. برای خداشناسی تنها راه ممکن و قابل قبول ادعیه‌ای است که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است. سایر راه‌های قابل تصور مثل مکاشفه، مربوط به امثال ما و مبتدیان در این راه نیست و اهل خود را می‌طلبد. ما بایستی آشنایی و آگاهی و علم و شناخت نسبت به خدای خود را از یک کانال قابل قبول، یعنی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین به دست آوریم. بهترین معرفی در حالی صورت می‌گیرد که ایشان در آن حال بهترین آمادگی را برای بیان اوصاف حق تعالی دارند. هنگامی که حضرت سجاد صلوات‌الله‌علیه آن مناجات طولانی را با خدای متعال دارد، پیدا است که در بهترین حال ارتباط با خدای خود قرار دارد. سید الشهداء صلوات الله علیه روز نهم در عرفات دعای عرفه را می‌خواند و این دعا در مفاتیح برای ما نقل شده است. از جمله‌ی این ادعیه، مناجات خمسۀ عشر یا مناجات منظمه امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است.

این کانال، بهترین و عمیق‌ترین کانال برای شناخت حق تعالی است. مخاطب حق تعالی است و مناجات‌کننده در بهترین حال قرار دارد، بنابراین خواسته‌ی ما که خداشناسی در حد آشنایی با صفات است و نه ذات، تأمین می‌شود. برای رسیدن به این نتیجه یا باید عربی بفهمیم یا به ترجمه‌ی دعا مراجعه کنیم. راهی غیر از این برای آگاهی از حق تعالی وجود ندارد.

ضرورت به جا آوردن شکر حق تعالی، در صورت کسب توفیق عبادات

در اواسط دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی به دو قطعه از دعا می‌رسیم. در قطعه‌ی اول حضرت به خدای متعال عرض می‌کند که خدایا من را به نماز و وضو و عبادت موفق کردی و حال پیدا کردم. اگر انسان هنگام خروج از این حال، دهنده‌ی این حال و شکر او را فراموش کند و تحت تاثیر شیطان قرار گیرد و آن حال را ناشی از خوبی خود بداند، کار را خراب کرده است. در دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی حضرت یک یک صفات و نعمت‌های حق تعالی به بندگانش را بیان می‌کند، سپس اشاره می‌فرماید که بندگان از این نکته غافل شده‌اند که این نعمت‌ها از خدای خودشان است.

در قرآن خدای متعال به پیامبر خود صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: "و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی"، تیری که در میدان جنگ رها کردی و به هدف خورد و دشمن تو به زمین افتاد، تو نینداختی. "و لکن الله رمی" خدا انداخت. یعنی ظاهر به دست تو بود، اما باطن خدای متعال بود. این سبک عملکرد برای هر انسان مسلمانی اتفاق نمی‌افتد. دل تو به حال فقیر سوخت و به او پول دادی. اما این خدای متعال بود که دل تو را سوزاند. این حق تعالی بود که پول را در جیب تو گذاشت که اگر خواستی پول را به فقیر بدهی، جیب تو خالی نباشد.

توحید واقعی و حقیقت توحید و خداشناسی همان مضمون "و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی" است. تو کردی اما اگر حواس خود را جمع کنی، کار از اول تا آخر دست او بود. "ما اصابک من حسنۀ فمن الله". همه کارهای خیر که در عمر خود انجام دادی، نباید باعث غرور تو شود، زیرا تو نکردی، بلکه خدای متعال به تو توفیق عبادت مالی و بدنی داد. از این بالاتر آمادگی داشتن قلب انسان برای انجام کار است. اگر این مطلب را نپسندی نشانه‌ی آن است که محاسبات فکری تو هنوز کامل نشده است. ما در برابر حق تعالی هیچی نداریم و هر چه داریم از او است و هر چه نداریم از خودمان است. "و ما اصابک من سیئۀ" که بالاترین آن‌ها جهل و نادانی به خدای متعال و صفات او است، "فمن نفسک". مقصر این امر خودمان هستیم که تنبلی کرده و به دنبال خداشناسی نرفته‌ایم.

منظور از نرفتن به دنبال خداشناسی ثبت نام در دانشکده‌ی الهیات نیست. اگر مفاتیح الجنان را باز کنیم و دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی را یک کلمه، یک کلمه بخوانیم و ترجمه‌اش را نگاه کنیم، با صفات حق تعالی آشنا می‌شویم. ما به عنوان یک خداپرست نمی‌توانیم خدای خود را معرفی کنیم، زیرا به دانشگاهی که صفات حق تعالی را به ما معرفی می‌کند وارد نشده‌ایم و اطلاع از صفات او نداریم. در دعاها، طرف دعا کننده خدای متعال است و خود دعا کننده عصمت دارد. علم دعا کننده علم حصولی نیست، بلکه علم الهی و حضوری است. در جهان هستی چنین آگاهی و چنین کانالی مشابه ندارد. هر جای دیگری که بروی اشتباه است.

ملاصدرا، شیخ شهاب الدین سهروردی و حاج ملا هادی سبزواری در این که آیا علم حق تعالی به جزئیاتی که در زمان آینده به وجود می‌آید علم اجمالی است یا علم تفصیلی، اختلاف نظر دارند. شیخ شهاب الدین سهروردی علم حق تعالی به مخلوقات آینده‌ی خود که هنوز شخصیت پیدا نکرده‌اند را اجمالی می‌داند. اما حاجی و ملاصدرا این نظر را قبول ندارند. این دو تا رأی یکی غلط و یکی درست است. رفع این اختلاف برای یک طلبه با مراجعه‌ی به دانشگاهی که معصومین صلوات الله علیهم اجمعین در اختیار ما گذاشته‌اند، میسر است. این راه به اسم دعا، راهی مصون از خطا و جهل و اشتباه است. دعای ابی‌حمزه، دعای کمیل، مناجات‌های حضرت سجاد صلوات الله علیه، صحیفه‌ی سجاده‌ی یک چنین خاصیتی دارد. خدای متعال نسبت به تمام بندگان خود این لطف را کرده که این دانشگاه را در خانه‌هایشان قرار داده است. البته کمی تلاش هم از طرف خود ما لازم است که از این دانشگاه بهره ببریم.

خواندن این دعاها برای ثواب جمع کردن نیست. خدای متعال آدم می‌خواهد، ثواب نمی‌خواهد. آدم شدن هم به خدانشناسی است. خدانشناسی هم نیاز به یک کانال‌های پاکیزه‌ی صدر صد قطعی دارد که انسان تعریف خدای متعال را از او بگیرد و این کانال دعاها از ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین هستند.

ضرورت توجه به نقش خدای متعال در همه‌ی امور

میزان اخلاص به میزان و مراتب معرفت و شناخت حق تعالی بستگی دارد. مراتب معرفت هم به میزان استفاده ما از کانال‌های خدانشناسی بستگی دارد. پس اخلاص با مراتب خدانشناسی ارتباط پیدا می‌کند. در دعای ابی حمزه، حضرت پس از شمردن نعمت‌های الهی، به خدای متعال عرض می‌کند: اگر من نفهمیدم که تو به من نعمت دادی، شکر هم نمی‌کنم. شکر هم که نکردم، به فرموده‌ی قرآن: "و لئن کفرتم ان عذابى لشدید"، وقتی کفران نعمت کردی، عذاب خدا شدید است. در این جا منظور جهنم سوزان نیست، جهنم جهل و نادانی از جهنم آتش برای انسان واقعی سوزنده‌تر است.

حضرت بعد از توصیف حال عبادت، به حق تعالی عرض می‌کند بعد از عبادت، چون به وظیفه عمل نکردیم، آگاهی پیدا نکردیم که این حال هم از سوی تو بوده است. تو هم این حال را از ما گرفتی حالا دیگر از عبادت و ذکر گفتن لذت نمی‌بریم. معنای "ان عذابى لشدید" این است. یکی از دوستان قدیمی هنگام بازگشت از مراسم شب قدر می‌گفت: نمی‌دانم چرا مانند گذشته از عبادات شب قدر لذت نمی‌برم. جواب این را حضرت سجاد در دعای ابی حمزه‌ی ثمالی بیان فرموده است. زیرا این حال و این توفیق از خدای متعال بود شکر این نعمت را به جا نیاوردی. امام سجاد صلوات الله علیه علت بریدگی‌ها و غفلت‌ها از حق تعالی را ریشه یابی می‌کند.

حضرت بیش از سی مورد از نعمت‌ها را می‌شمارد: "انا الفقیر الذی اغنیته انا الجائع الذی اشبعته انا العطشان الذی ارویته انا الجاهل الذی اعلمته"، مواردی از نعمت‌ها را ذکر می‌کند که نعمت بودن آن و ضرورت شکر آن به ذهنمان نمی‌آید. گرسنه بودم، نهار خوردم تا سیر شدم، اما سیر کننده، خدای متعال بود. معاویه وقتی که مورد نفرین امام معصوم صلوات الله علیه قرار گرفت هر چه می‌خورد سیر نمی‌شد. برای خروج انسان از غفلت، چاره‌ای جز این نیست که نعمت از انسان گرفته شود. گرفتاری‌ها، فشارها، دردها برای این است. خدای متعال جسم ندارد لذا باید از این راه ما را از خواب بیدار کند.

برای امام شناسی باید به زیارت جامعه‌ی کبیره، برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شناسی به خطبه‌ی غدیریه، و برای خدانشناسی به دعاهایی که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است، مراجعه کرد.

اگر انسان چیزی را از خدای متعال بخواهد و خیر بخواهد، اما به آن خواسته نرسد و معطل شود، موجبات معطلی آن یا از خودمان است یا خدای متعال می‌خواهد اجابت را عقب بیندازد تا قدر آن را بدانیم. طبق روایات این که دعاها دیر مستجاب می‌شود برای اشتباهاتی است که انسان در عملکرد خود داشته است. اهل البیت صلوات الله علیهم اجمعین فرموده‌اند که بنی امیه برای ما عید باقی نگذاشته‌اند و اگر شیعه واقعا شیعه باشد با این مصائبی که به اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است همان حرف امام خود را می‌زند. خدای متعال به این که این حرف را بزنیم راضی است. مأموریت اول صدیقه‌ی کبری سلام الله علیها این است که نگذارد مهاجمان به سراغ امام زمانش امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بروند لذا از داخل خانه می‌فرماید که در را باز نمی‌کنم. مأموریت دوم ایشان هم این است که از جنینی که خدای متعال در وجود او قرار داده است، یعنی جناب محسن سلام الله علیه حفاظت کند، تا این امانت الله را به دنیا بیاورد. اما دشمنان خدا با هجوم به خانه حضرت نگذاشتند این مأموریت‌ها به سرانجام برسد.